

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید Elnaz.2714@gmail.com

آهن آبدیده، مثل یک پلیس

بیست سال بیشتر ندارد و یک‌سالگی می‌شود لباس نیروی انتظامی را بر تن کرده، ریزنش است و لباس فرمش کمی برایش گشاد است، اما با استایل خاصی راه می‌رود و می‌نشیند.
کودکی را با رویاهای آرزوهایش در یکی از شهرهای کوچک تبریز سر کرده؛ گاهی باروبای پزشک‌شدن و زمانی با رویای مهندس و خلبان شدن. فرزند اول خانواده است و بعد از خود، خواهر ۱۶ ساله و برادر ۴ساله‌اش را دارد.
خاطراتش از تبریز به همان خاطرات کمرنگ دوران کودکی معطوف می‌شود و بیشتر عمرش را در کرج گذرانده است.

دیپلم را گرفته و وارد نیروی انتظامی شده و از تصمیمی که گرفته رضایت کامل دارد و حالا آرزویش رسیدن به آخرین درجه در یگان نیروی انتظامی است و بعد از آن آرزویی ندارد، اگر چه تا چندماه دیگر دامادار می‌شوند و تنها خواهرش راهی خانه‌بخت می‌شود.

خانواده «ضا» هم سال‌ها پیش به‌ناچار ترک خانه و دیار کردند تا شاید در تهران کاری برای پدر دست‌وپا شود، اگرچه مخارج سنگین تهران آنها را همی کرج کرد تا خانه‌ای ارزان‌تر برای اجاره پیدا کنند و حالا دیگر بعد از این همه سال کرجی به حساب می‌آیند، البته پدر کاری نمی‌تواند برای خود دست‌وپا کند و در همه این مدت برای دیگران کار می‌کند. در بازار است و مدتی شاگردی این حجره را به‌عهده می‌گیرد و زمانی حجره بعدی را انتخاب می‌کند؛ اما حالا هم که وضعیت بازاری‌ها خیلی خوب نیست و خانواده محبی دلواپس آینده کاری پدر هستند که مبدا همین باریکه در آمد پدر بند بیاید و خانواده با مشکلات بیشتری دست‌وپنجه نرم کند، البته پدر وقت‌های اضافه و بیکاری و بیشتر روزهای تعطیل کارگری هم می‌کند تا کمک خرج خانواده شود، اما با همه این مشکلات «رضا» خدا را شاکر است و باورش این است که هر آدمی به وسعت توانش مشکلاتی دارد. «دل بی‌غم دل نیست».

برنامه کاری «رضا» ۱۲ ساعت، ۲۴ساعت است. یک روز کامل را گذرتنی می‌کند، گاهی با موتورور زمانی باخودرو، اما روز بعد را خانه‌است تا کمک‌حال پدر باشد. به آینده خیلی امیدوار است و از بهتر شدن شرایط مطمئن است.

مادر چندسالگی می‌شود با مشکل کلیه در گیر است، اما شرایط مالی آنها اجازه نمی‌دهد پیوند کلیه برای مادر انجام شود و چشم به راه اهدا هستند. یکی از مشکلات کارگران نبود بیمه‌است است در زمان گرفتاری‌ها به دادشان برسد و خانواده «ضا» هم با این مشکل در گیرند و حتی هزینه‌بالن زن قلب پدر را هم عموهایش تقبل کرده بودند، اما جای شکرش باقی است پدر بعد از آن دچار مشکلی نشده است. «مشکلات همیشه وجود دارد و تنها نوحه بر خوردن آنهاست که عیار آدم‌ها را نشان می‌دهد. آهن آبدیده را هیچ ضربه‌ای از پادرنمی‌آورد.»

واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دویار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید.

شهروند |خواهشمند است از به همراه آوردن آلات موسیقی، قلیان، حیوانات (سگ و…) و برپایی چادر در سطح بوستان جدا خودداری فرمایید. پلیس پارک.» این متن تابلو نوشته‌ای است که در ورودی بعضی پارک‌ها و بوستان‌های پایتخت ایران نصب شده و در روزهای اخیر واکنش‌هایی را به همراه داشته است. اعضای شورای شهر تهران می‌گویند نصب این نوشته غیر قانونی است و پارلمان شهری هیچگاه مصوبه‌ای در این زمینه نداشته و باید این تابلوها برداشته شود. در سمت دیگر اما عامل اصلی پشت این نوشته‌ها نامشخص است و سازمان یا نهادی حاضر به حمایت از محتوای این نوشته نشده است. ماجرا اما به سال‌ها پیش برمی‌گردد؛ نزدیک به ۷سال پیش و در دوره شهرداری «محمدباقر قالیباف» که هم پلیس پارک به وجود آمد و هم «به همراه آوردن آلات موسیقی در سطح بوستان‌ها» ممنوع شد.

دستوراز کجاست؟

تابلوهایی که ۵سال پیش محدودیت‌های جدیدی را برای ورود به بوستان‌ها و پارک‌های تهران تعیین کردند، از کجا و به دستور چه نهادی نصب شدند؟ درباره این پرسش اظهارنظر دقیقی وجود ندارد اما به نظر می‌آید آنچه‌ان که اعضای شورای شهر می‌گویند، نیروی انتظامی چنین محدودیتی را اعمال کرده است. «حسن خلیل‌آبادی» رئیس کمیته گردشگری و میراث فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران در این باره به «شهروند» می‌گوید: «این تابلوها از چندسال پیش، شاید حدود ۸-۷سال پیش و به دستور نیروی انتظامی نصب شده‌اند. در آن سال‌ها تازه هم‌شد‌بوده مردم سگ و ابزار آلات موسیقی را به پارک‌ها می‌بردند.» این عضو شورای شهر تهران می‌گوید که شورا هیچگاه مصوبه‌ای در این زمینه نداشته است: «این مصوبه شورای شهر نیست. علاوه براین، این موارد مورد تأیید شور نیست. در مورد ساز که کاملاً نادر ست است و درباره حیوانات هم اگر برای بقیه آزاری نداشته باشد، مورد تأیید شورا نیست. من با ممنوعیت ورود حیوانات به‌طور مطلق موافق نیستم، مگر اینکه آزار و اذیتی برای مردم داشته باشد.»

راهکار مقابله قانونی با این محدودیت‌ها چیست؟
اگر چه امروز اعضای شورای شهر نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و خواهان برداشتن تمام این تابلوها هستند و این موضوع تا اندازه‌ای هم اصلاح شده اما به نظر می‌آید مقابله با چنین برخوردهایی نیاز به راه‌حلی دایمی دارد. خلیل‌آبادی، عضو شورای شهر تهران در پاسخ به این پرسش و راهکار احتمالی پیش‌رو هم می‌گوید: «باید با نیروی انتظامی رایزنی کنیم و ببینیم چه دلایل حقوقی برای این محدودیت دارند و آیا اصلاً دلایل حقوقی وجود دارد. البته ما هنوز هم مطمئن نیستیم کار نیروی انتظامی باشد ولی معمولاً این موارد انتظامی است و باید بررسی شود که بر چه اساسی چنین مواردی نوشته می‌شود.» خلیل‌آبادی درباره کلیت این موضوع هم می‌گوید: «آن چه که ما

دستور ویژه وزیر بهداشت برای دارو و درمان بیماران خاص

سخنگوی وزارت بهداشت از دستور وزیر بهداشت برای دارو و درمان بیماران خاص خبر داد. ایرج حرچ‌چی، در نشست خبری روز گذشته، درباره مباحث مطرح‌شده مبنی بر حذف پوشش بیمه‌ای ملزومات مصرفی بیماران تالاسمی توضیح داد: «وزیر بهداشت موکدا دستور داده که شرایط بیماران خاص هیچ تغییری پیدا نکنند و طبق اعلام شورای عالی بیمه هیچ خدمتی از پوشش حمایتی بیمه برای بیماران خاص از بسته خارج نشده است.» او همچنین گفت: «براساس ابلاغیه‌ای که به ما شده، تمام مراحل تخصیص ارز را انجام می‌دهیم. طبق ابلاغیه رئیس جمهوری تمام وار دکنندگان کالاهای پزشکی و اختصاصی موظفند تعهد کنند که مقررات واردات، عرضه، نحوه و شبکه توزیع، شیوه قیمت‌گذاری و نحوه فروش را که به دستگاه‌های مسئول اعلام می‌شود، رعایت کنند. در صورت تخلف از قانون هم باید مابه‌التفاوت نرخ رسمی و نرخ بازار را بپردازند.»

گزارش «شهروند» از واقعیت‌ها و پشت پرده ماجرای تابلوهایی ممنوعیت ورود ساز به پارک

توهین آمیز بود، اصلاح می‌کنیم

- رئیس کمیته گردشگری شورای شهر تهران: این تابلوها حدود ۷سال پیش و به دستور نیروی انتظامی نصب شده است
- فراهانی عضو شورای شهر تهران: تبلیغ پلیس پارک مبنی بر ممنوعیت ورود ساز در پارک‌ها قطعاً تخلف است



می‌خواهیم در سطح جامعه انجام بگیرد و اعمال شود، باید مستند به قانون باشد و حقوق شهروندی مدنظر قرار بگیرد. هر نوشته و برخوردی که قانون و حقوق شهروندی را لحاظ نکند، از نظر مانادرست و باید اصلاح شود.»

تبلیغ پلیس پارک مبنی بر ممنوعیت ورود ساز در پارک‌ها تخلف است

«مجید فراهانی» یکی دیگر از نمایندگان مردم تهران در شورای شهر معتقد است که نه‌تنها به همراه‌داشتن ساز در پارک ممنوع نیست بلکه تبلیغ چنین محدودیتی توسط پلیس پارک، یک تخلف است. او در این باره به «شهروند» می‌گوید: «این تابلوها مربوط به حدود ۵سال پیش است که در بعضی پارک‌ها نصب شد. اولاً درباره موجودیت پلیس پارک ما مصوبه‌ای نداشتیم و نمی‌دانم از کجا آمده است. درباره ساز هم که زبان احساسات است و در همه دنیا به‌عنوان زبان مشترک شناخته می‌شود، چنین برخوردی ناشایست و غیر قانونی است. استفاده از موسیقی یکی از راه‌های آرامش‌آفرینی و ترویج زندگی شهری و شادی در

همیشه می‌توانید این نقدها را داشته باشید؛ حالا فرض را بر این بگذاریم که عمیق‌تر از این به مسأله پرداخته بودیم، باز منتقدان می‌توانستند این نقد را وارد کنند که باز عمیق نیست؛ ولی اینکه ما وارد مباحث پیچیده جامعه‌شناختی نشدیم کاملاً ناعدمی بوده، چون فکر می‌کردیم که این فیلم باید محرک برای مطالعات بعدی باشد.

- جامعه‌هدف این مستند چه قشر یا بخشی از جامعه‌بوده‌است؟**

این مستند در حقیقت هشداری را به نظام اجتماعی می‌داد و تفکیکی هم میان زن یا مرد ن‌ن‌دارد. در واقع همه رخدادها و پدیده‌های جامعه‌شناسی چه در مورد مردان، چه در مورد زنان متأثر از رفتار زن‌ها و مردهاست. در واقع نمی‌توان هشداری را به جامعه‌زن‌ها داد، در حالی که جامعه مردان را میرا دانست، نه اصلاً. بدون آگاهی عمومی هیچ پدیده‌ای چه در مورد نیروی می‌گذاشت و سایرین متوجه این مستند می‌شدند و برای تماشای آن رغبت نشان می‌دادند و این رویه تا جایی بود که فیلم به خوبی دیده شد.

- نقدهایی به این مستند شده است. آیا این نقدها را بحق می‌دانید؟ به‌عنوان مثال می‌گویند در این مستند مسائل عمیقی وجود دارد که بسیار سطحی و گذرا از کنار آنها رد شده‌اند.**

واقعیت این است که ما فیلم می‌سازیم، کتاب نمی‌نویسیم. در ساخت فیلم یکسری قواعد وجود دارد که الزماً باید به آنها توجه شود و فیلم‌ساز متوجه این مسأله باشد که ببینند جامعه‌شناس نیست و تنها شما می‌توانید او را تحریک کنید برای مطالعه در این زمینه تا به عمق دلخواهش در مطالعات دست بیاید. اگر بخواهید در فیلمی عمیق شوید تنها باید به مخاطبان خودتان را کم کرده‌اید، البته نباید این نکته را فراموش کرد که بعضی نقدها گرد هستند، یعنی شما



سخنگوی وزارت بهداشت از دستور وزیر بهداشت برای دارو و درمان بیماران خاص خبر داد. ایرج حرچ‌چی، در نشست خبری روز گذشته، درباره مباحث مطرح‌شده مبنی بر حذف پوشش بیمه‌ای ملزومات مصرفی بیماران تالاسمی توضیح داد: «وزیر بهداشت موکدا دستور داده که شرایط بیماران خاص هیچ تغییری پیدا نکنند و طبق اعلام شورای عالی بیمه هیچ خدمتی از پوشش حمایتی بیمه برای بیماران خاص از بسته خارج نشده است.» او همچنین گفت: «براساس ابلاغیه‌ای که به ما شده، تمام مراحل تخصیص ارز را انجام می‌دهیم. طبق ابلاغیه رئیس جمهوری تمام وار دکنندگان کالاهای پزشکی و اختصاصی موظفند تعهد کنند که مقررات واردات، عرضه، نحوه و شبکه توزیع، شیوه قیمت‌گذاری و نحوه فروش را که به دستگاه‌های مسئول اعلام می‌شود، رعایت کنند. در صورت تخلف از قانون هم باید مابه‌التفاوت نرخ رسمی و نرخ بازار را بپردازند.»

ممنوعیت ورود ساز در پاک‌ها قطعاً تخلف است و مصوبه شورا وجود ندارد که اگر کسی با ساز وارد پارک شد، بگویند تخلف است.»

این بر خوردها مابه‌تأسف است

چنین تابلوهایی علاوه بر محدودیتی که ایجاد می‌کنند، می‌توانند تأثیر منفی بر نگاه مردم نسبت به مسئولان و نوع نگاه آنها به فرهنگ و هنر هم داشته باشند؛ این خلاصه‌ای از نظر بسیاری از هنرمندان و مدیران هنری نسبت به این تابلوهاست. در این باره مدیر کل دفتر موسیقی هم پیش از این گفته بود: «هیچ استناد قانونی را نمی‌توان پیدا کرد که چنین نوشته‌هایی را توجیه کند و اگر کسی با ساز وارد پارک شد، بگویند به استناد این ماده قانونی تخلفی انجام داده است. این‌گونه بر خوردها اصلاً ارزش قانونی ندارند و فقط مابه‌تأسف است.»

«علی تریایی» این تابلوها را توهین آمیز دانسته بود و در توضیح گفته بود: «وجه بیرونی و شهری این موضوع بسیار توهین‌آمیز است و به‌هیچ‌عنوان قابل توجیه نیست و نشان می‌دهد تفکری که حاکم بر این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها هست، با تفکر فرهنگی جامعه فاصله بسیاری دارد. این موضوع قطعاً جز اینکه به فاصله‌های افکاری و اجتماعی نسل امروز با کسانی که این‌گونه بر نامه‌ریزی می‌کنند، اضافه کند، هیچ خاصیت دیگری ندارد.» علاوه بر این، بسیاری از هنرمندان هم به این تابلوها واکنش نشان دادند و آنها را بیانگر نگاه‌بعضی از مسئولان نسبت‌به فرهنگ دانستند.

اصلاح تابلوی بوستان جمشیدیه

واکنش‌ها اما در روزهای گذشته تا اندازه‌ای به نتیجه رسیده و این تابلوها در بعضی پارک‌ها اصلاح شده است. یکی از تصاویری که در روزهای گذشته بارها منتشر و دست‌به‌دست شده بود، مربوط به بوستان جمشیدیه در منطقه یک تهران است که شهردار آن از اصلاح آن خبر داد. «تاجیک اسماعیلی» در این باره گفته است: «این تابلو حدود ۵سال قبل نصب شده که محتوای آن مورد تأیید مدیریت شهری فعلی نیست، بر همین اساس نسبت به اصلاح این تابلو در بوستان جمشیدیه اقدام شد.» او در ادامه توضیح داد که برنامه‌های مختلفی همراه با موسیقی در این پارک اجرا شده و از این به بعد هم ادامه پیدا خواهد کرد: «جشنواره و برنامه‌های مختلفی از سوی شهرداری منطقه یک در بوستان‌های قیصریه، نیاوران و… به همراه اجرای موسیقی سنتی و محلی بر پا می‌شود. جشنواره شادستان در بوستان نیاوران از تاریخ ۳الی ۱۹ مرداد نیز باهمین رویکرد بر گزار شد و مورد استقبال شهروندان قرار گرفت.»

با این توضیح و با توجه به نگاه مدیریت کنونی شهر تهران، به نظر می‌آید این تابلوها در روزهای آینده از تمام پارک‌های شهر بر چیده خواهد شد اما درباره اینکه آیا این نوع نگاه باز هم به سطح شهر و مدیریت شهری باز خواهد گشت، شاید نتوان در حال حاضر قضاوت قطعی داشت.

- پرداختن به سوز‌هایی مانند مسائل جنسی خط قرمزهایی دارد که باید آنها را رعایت کرد یا مشکلاتی را از پیش رو برداشت. آیا شما هم با این خط قرمزها به مشکل‌ر خوردید؟**

معتمد بخشی از این خط قرمزها ساخته ذهن ماست و محصول این است که نمی‌خواهیم خطر کنیم. زمانی که ما این مستند را ساختیم، منتظر بودیم فیلم‌مان توقیف شود و انتظار این را داشتیم که بر خوردهایی با ما شود، اما این اتفاق نیفتاد. بسیاری از دوستان دیگر هم اگر این کار را کنند شاید این اتفاق در موردشان نیفتد، اما خیلی‌ها پیش از اینکه کار را شروع کنند وارد محدوده ریسک نمی‌شوند و این عقیده را دارند که جایی کار کنند که ریسکی نداشته باشد، البته نظر آنها محترم است اما اینکه کسی که رفته و این اتفاق کار کرده البته با امنیت خاطر خاصی دست به این کار زده، تصویر اشتباهی است. این یک سرمایه‌گذاری است. این احتمال وجود دارد که سرمایه‌گذاری‌ای کم‌ریسک باشد و سرمایه‌گذاری دیگری پرریسک. سرمایه‌گذاری پرریسک همان طور که می‌تواند سود بالایی داشته باشد، می‌تواند شکست‌سنگین‌تری هم داشته‌باشد.

- آیا برنامه و سوز‌ه خاصی مد نظر تان است که بتواند آغاز گر ساخت مستند اجتماعی باشد؟**

ما در حال طراحی مستند انقلاب جنسی ۳ هستیم. اتاق فکرش را تشکیل داده‌ایم و چند جلسه‌ای است که روی فیلمنامه کار شده، البته باید متذکر شوم در این مستند من به‌شخصه تنها بخشی از مسئولیت را به عهده داشتم و کارگردانی آن به عهده آقای شمقدری بوده و حسن مددی هم مسئولیت تصویربرداری و تهیه‌کنندگی را به عهده داشتند و مدیر تولید این مستند هم جناب اخوان بودند و در حال حاضر هم همین مجموعه در حال طراحی و برنامه‌ریزی برای انقلاب جنسی ۳ است تا به مرحله ساخت برسد. واقعیت امر این است که این مجموعه به یک بلوغ در زمینه ساخت مستند تطبیقی رسیده است و مایل است با همین رویکرد ساخت مستند را ادامه بدهد، چون بر این باور است که هنوز این رویه و شیوه جای کار دارد.

شهروند |مدتی است صحبت‌ها حاکی از فیلم مستندی

در فضای مجازی‌اند که مورد استقبال قرار گرفته است و افراد به یکدیگر دیدن آن را توصیه می‌کنند؛ فیلمی از «حسین شمقدری» که با طرح پرسش‌هایی از زن غرب سروصدای زیادی به پا کرده است. کارگردانی که پیش از این «میراث آلبرتا»، «سی‌وسه‌سال سکوت» و «انقلاب جنسی ۱» را با همین رویکرد ساخته و در انقلاب جنسی ۲ به بحث زن در جامعه غربی پرداخته است. به همین بهانه پای صحبت‌های «محمد دلوری» یکی از افراد این تیم نشستیم که در ادامه می‌خوانید؛ فردی که قبل از این مستند «کارخانه جهان» را از او دیده‌ایم و کتاب ۹۷۶روز اروپا حاصل سه‌سال زندگی در اروپا و مطالعات دل‌آوری در اروپاست.

- آیده و تدغغه سوز‌ه مستند اخیر تان از کجا به ذهن تان رسید و چرا عنوان «انقلاب جنسی» را برای آن انتخاب کردید؟**

انقلاب جنسی پدیده‌ای جامعه‌شناسی است که سال‌ها در غرب اتفاق افتاده و تصور ما این بود که این پدیده در ایران هم در حال وقوع است، به‌ویژه در حوزه زنان و جایگاه آنان و مدل تفکر آنان یک حساسیت ویژه و خاص وجود دارد و متأسفانه کمتر هم به آن توجه شده است. با این جمع‌بندی به این فکر کردیم اگر فیلمی در این زمینه ساخته شود، هم می‌تواند موثر باشد، هم بیننده را جذب کند و هم حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد. در واقع همه این دلایل دست‌به‌دست‌کم دادند تا «انقلاب جنسی» ساخته شود. در انقلاب جنسی یک به مباحث جنسی پرداخته شد و در قسمت دوم آن خانواده و زن غربی مورد پرسش قرار گرفت اما در مورد عنوان آن باید گفت؛ چون پایه و مبنای تفکرش متأثر و متصل به مقوله انقلاب جنسی است و در عین حال این عنوان نام جذابی است و می‌توانست روی جذب مخاطب تأثیر مثبت بگذارد.

- مستند «انقلاب جنسی» توانست باز خورد خوبی میان مخاطبان داشته باشد؟ و تا چه میزان توانست در میان عامه مردم خود را مطرح کند؟**

استقبال بی‌ظنیر و بسیار جالبی از این مستند شد. در واقع بیش از انتظار ما از فیلم و ایسن در حالی بود که فیلم

گفت‌وگوی «شهروند» با محمد دلوری، یکی از سازندگان و گوینده مستند «انقلاب جنسی»

«انقلاب جنسی ۳» در راه است

- ◀ **انقلاب جنسی** «در حقیقت تلاش کرد کمک‌کنندما آگاهانه در هر راهی که می‌خواهیم، قدم بگذاریم

تنها به‌صورت لینک و فروش dvd توزیع شد. واقعیت امر

این است که ما توزیع مستقیم و رایگان نداشتیم. میزان بازدیدی که از این مستند شد، عدد بسیار قابل توجهی بود و بازوردهایی که در شرایط و از افراد مختلف هم گرفتیم، بسیار جالب و غیرمنتظره بود.

- آیا این باز خورد ها نشان از این دارند که یکی از مسائل مگوی جامعه ایران مسائلی از این دست است؟**

اینکه جامعه ایران گرایش‌ی به غرب دارد، پدیده تازه‌ای نیست؛ یعنی از گذشته همین بوده و همیشه جامعه ایران با بسیاری از جوامع متأثر بودند از جامعه غرب. البته به وجود آمدن سوشیال مدیاها این فرآیند سرعت گرفته است. اگر چه در این میان اتفاق نگران‌کننده‌ای هم وجود دارد که عموماً این گرایش‌ها همراه با مطالعه کافی نیست؛ یعنی جامعه ایران از غرب متأثر می‌شود اما در بسیاری از مواقع تجربیات آنها را تجربه می‌کنند، همان‌طور که آزمون و خطاهای آنها را هم پشت‌سر می‌گذارند و علاوه بر اینکه این امکان وجود دارد که‌وجوه مثبت این پدیده‌ها را جذب کند. متأسفانه در بیشتر مواقع پیامدهایش را هم دیده‌و تجربه می‌کند که این بخش می‌تواند وجود نداشته باشد. «انقلاب جنسی» در حقیقت تلاش کرد کمک‌کند ما آگاهانه در هر راهی که می‌خواهیم، قدم بگذاریم.

- قبل از این تجربه مستندسازی را داشته‌اید؟**

قبل از این ما مستندی ساختیم به نام «کارخانه جهان»؛ مستندی که به مقایسه اقتصاد ایران و چین پرداخته بود و سعی داشتیم این سوال را پاسخ بدهیم که چرا چینی‌ها در طول ۴۰سال از یک مردم گرسنه که کارشان به این‌جا رسیده بود که پوسست درخت می‌خوردند تبدیل شدند به یکی از اقتصادهای بزرگ جهان. در واقع باید این تجربه را در مقایسه